

# بررسی پنداشت زنان شاغل در دانشگاه‌های اهواز از موقعیت

## طبقاتی خودشان با استفاده از مدل‌های قطری تحرک

عبدالرحمن راسخ، معصومه باقری، صدیقه حافظی

(تاریخ دریافت ۸۶/۶/۱۳، تاریخ پذیرش ۸۷/۱۲/۷)

چکیده: براساس نظریه تحرک اجتماعی رفتارها، حالات و ارزش‌های افراد تحت تأثیر پایگاه اجتماعی پیشین (مبدأ) و نیز پایگاه اجتماعی جاری (مقصد) آن‌ها قرار می‌گیرد. اگر پایگاه اجتماعی پیشین و پایگاه اجتماعی جاری فرد یکسان نباشد، گوییم تحرک اجتماعی رخ داده است. جهت بررسی تأثیر تحرک اجتماعی بر رفتارها، حالات و روش‌های افراد، مدل‌هایی تحت عنوان مدل‌های قطری تحرک پیشنهاد شده است. در این مقاله، با استفاده از مدل‌های قطری تحرک برای متغیر پاسخ‌ترتیبی، به مطالعه هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی‌شاپور می‌پردازیم. از میان نتایج مختلف حاصل از این مطالعه می‌توان به تأثیر متغیرهای سن، تحصیلات پدر، درآمد فرد، درآمد همسر، وضعیت استخدامی همسر و تحرک اجتماعی بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان اشاره کرد. همچنین با توجه به نمونه مورد مطالعه، زنان در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود بیش از موقعیت شغلی همسرشان اهمیت می‌دهند. مفاهیم کلیدی: پایگاه اجتماعی، تحرک اجتماعی، مبدأ، مقصد، مدل‌های قطری تحرک، هویت طبقاتی اجتماعی

### مقدمه

انسان و جایگاه او در جهان مدت‌هاست که ذهن بشر را به خود مشغول داشته و موضوع مناسبی برای تحقیق اجتماعی بوده است. در جوامع امروزی، انسان از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است و از آن‌جا که هویت نیز بخش مهمی از وجود انسان و زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویتش است، بنابراین بررسی هویت انسان‌ها بسیار قابل توجه است.

«هویت اجتماعی» احساس تعلق و وابستگی به یک جامعه است به گونه‌ای که عضو یک جامعه از سایر جوامع متمایز باشد و فرد در مقابل معیارها و ارزش‌های جامعه خود احساس تعهد و تکلیف کند و در امور مختلف آن مشارکت جوید، انتظارات جامعه را از خود پاسخ دهد و در مواقع بحرانی، سرنوشت جامعه و غلبه بر بحران برای او مهم باشد (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۱). یکی از جنبه‌های هویت، هویت طبقه اجتماعی است که به تلقی افراد از طبقه اجتماعی‌شان اشاره دارد. سابقه مطالعات مرتبط با جوانب مختلف طبقه اجتماعی، با سابقه نسبتاً طولانی به دهه ۱۹۴۰ میلادی برمی‌گردد. در آن سال‌ها علی‌رغم حضور زنان در برخی مشاغل، با توجه به ساختار خانواده که پدر خانواده منبع اصلی تأمین‌کننده درآمد خانوار محسوب می‌شد و بقای خانواده تنها توسط موقعیت شغلی او تعیین می‌گردید، بنابراین موقعیت اجتماعی زنان از وضعیت اجتماعی و شغلی همسرشان قابل استنباط بود. اما با رشد بیشتر مشارکت اجتماعی زنان و افزایش تعداد زنان شاغل و همچنین تغییر در ساختار خانواده، جامعه‌شناسان به سوی بررسی فرضیه‌ای سوق پیدا کردند که آیا زنان هویت طبقاتی اجتماعی خود را متأثر از موقعیت اجتماعی همسرشان می‌دانند؟ آیا زنان هویت طبقاتی اجتماعی خود را بیشتر متأثر از موقعیت شغلی همسرشان می‌دانند یا موقعیت شغلی خودشان را در تعیین طبقه اجتماعی‌شان بااهمیت‌تر تلقی می‌کنند. تحرک اجتماعی چگونه تصور آنان را از طبقه اجتماعی‌شان تحت تأثیر قرار می‌دهد و زنان تحت چه شرایطی طبقه اجتماعی بالاتری برای خود قائل می‌شوند. در این مقاله به بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان و رابطه آن با موقعیت شغلی همسرشان (مطالعه موردی دانشگاه‌های اهواز) خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

### مروری بر دانش موجود در زمینه مسئله (ملاحظات نظری)

در مورد هویت طبقه اجتماعی زنان تحقیقات وسیعی در جهان صورت گرفته است. فلسون و کنوک به بررسی وابستگی زنان متأهل به وضعیت اجتماعی همسران‌شان در ارزیابی طبقه اجتماعی خود پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند که هم زنان و هم همسران آن‌ها هنگام ارزیابی طبقه اجتماعی‌شان توجه کمتری به موقعیت اجتماعی طرف مقابل خود دارند (۱۹۷۴). ریتز و هارگنز دریافتند که رابطه میان موقعیت شغلی زن و هویت طبقاتی واقعی او حتی پس از به

۱. این مقاله حاصل پژوهشی است تحت عنوان «مدل‌های قطری تحرک و کاربرد آن‌ها در بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی جندی‌شاپور» که در قالب یک رساله کارشناسی ارشد آمار اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه شهید چمران اهواز ارائه شد.

حساب آوردن ویژگی‌های همسرش باقی می‌ماند. به عبارت دیگر، علاوه بر این‌که زن از مشخصات همسرش در تعیین هویت طبقاتی‌اش تأثیر می‌پذیرد، از موقعیت شغلی خودش نیز تأثیر می‌پذیرد (۱۹۷۵).

مطالعه انجام شده توسط هیلر و فیلیبر نشان داد که زنان در تعیین هویت طبقه اجتماعی‌شان موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرشان را دارای اهمیت یکسان می‌دانند (۱۹۷۸). درحالی‌که ون و لسر و بیقلی از مطالعات خود در این زمینه نتیجه گرفتند که زنان غیرشاغل در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود تحت تأثیر موقعیت شغلی همسرشان قرار می‌گیرند، اما زنان شاغل در تعیین هویت طبقاتی خود به یک اندازه به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرشان اهمیت می‌دهند (۱۹۷۹).

چکمن و جکمن پس از انجام دادن تحقیقات در این زمینه به این نتیجه رسیدند که زنان هویت طبقه اجتماعی خود را از موقعیت اجتماعی همسران‌شان استنباط می‌کنند (۱۹۸۳). دیویس و رایسنس پیشنهاد کردند که زنان در دهه ۷۰ هویت طبقه اجتماعی خود را تحت تأثیر موقعیت شغلی همسرشان استنباط می‌کردند درحالی‌که زنان شاغل در دهه ۸۰ در تعیین هویت طبقاتی خود به موقعیت خود و همسرشان اهمیت یکسان می‌دادند (۱۹۸۸). در رابطه با هویت طبقه اجتماعی زنان مطالعاتی در باب مقایسه بین ملت‌ها نیز انجام گرفته است. ازجمله رایت پس از بررسی هویت طبقه اجتماعی زنان امریکایی و سوئدی نتیجه گرفت که زنان امریکایی در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود را متأثر از موقعیت همسران‌شان تعیین می‌کنند. این در حالی است که زنان سوئدی در تعیین هویت طبقاتی خود برای موقعیت اجتماعی خود و موقعیت اجتماعی همسران‌شان اهمیت یکسان قائل می‌شوند (۱۹۸۹).

هایز و جونز با استفاده از تحقیقاتی در زمینه هویت طبقه اجتماعی زنان با توجه به داده‌های تحقیقاتی در استرالیا دریافتند که تحصیلات زن و شغل او تأثیر معنی‌دار بر تعیین هویت طبقه اجتماعی ندارند (۱۹۹۲). اریکسون و گلد تورپ پس از بررسی عوامل مؤثر بر هویت طبقه اجتماعی زنان بریتانیا، آلمان، مجارستان، نروژ و سوئد، نتیجه گرفتند که هویت طبقه اجتماعی آن‌ها به طور عمده به ویژگی‌های همسران‌شان بستگی دارد (۱۹۹۲). باکستر دریافت که عضویت زنان سوئدی و استرالیایی در طبقه متخصص نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین هویت طبقاتی آنان دارد. اما این مسئله در مورد زنان امریکایی و نروژی صادق نیست (۱۹۹۴). رابرتز و مارشال دریافتند که ویژگی‌های زنان شاغل تمام‌وقت به طور معنی‌داری هویت طبقه آنان را تعیین می‌کنند، اما این ویژگی‌ها نسبت به ویژگی‌های همسران‌شان در تعیین هویت طبقاتی‌شان دارای اهمیت کمتری هستند (۱۹۹۵). مارشال و همکاران پس از مطالعه هویت طبقه اجتماعی زنان

بریتانیایی و امریکایی نتایج مشابهی به دست آوردند. اما با مطالعه زنان در آلمان غربی، چکسلواکی و مجارستان دریافتند که ویژگی‌های زن و شوهر به یک اندازه در تعیین هویت طبقه اجتماعی زنان سهم دارند (۱۹۹۵).

سوبل و همکاران به بررسی هویت طبقه اجتماعی زنان و رابطه آن با موقعیت اجتماعی (شغلی) خود و همسرشان پرداختند. آن‌ها برای انجام دادن تحقیق فوق اطلاعات لازم را از یک نمونه ۳۰۷۶ نفری از زنان ۱۸ تا ۵۹ ساله بریتانیایی در فاصله سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۷ به دست آوردند. محققان قبلی در بررسی موضوع فوق تلاش کردند آزمون کنند که آیا زنان تنها به موقعیت همسرشان در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود اهمیت می‌دهند یا به موقعیت خودشان و یا به هر دو به یک اندازه اهمیت می‌دهند. اما سوبل و همکاران در تحقیق خود به بررسی وزن نسبی که زنان در تعیین هویت طبقاتی خود به موقعیت اجتماعی خود و همسرشان می‌دهند پرداختند. همچنین آن‌ها به این موضوع پرداختند که زنان تحت چه شرایطی وزن کمتر یا بیشتری به موقعیت شغلی خود می‌دهند و به‌طور مشابه تحت چه شرایطی وزن کمتر یا بیشتری به موقعیت شغلی همسرشان می‌دهند. آن‌ها پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدند، هنگامی که مرد از نظر تمام‌وقت یا پاره‌وقت بودن شغلی در شرایط بهتری نسبت به همسرش باشد، وزنی که زن در تعیین هویت طبقاتی خود به موقعیت همسرش می‌دهد از وزنی که به موقعیت خود می‌دهد بیشتر است. اما زمانی که زن از نظر شغلی در شرایط بهتری نسبت به همسرش قرار دارد، وزن‌هایی که به موقعیت خود و همسرش می‌دهد تقریباً مساوی هستند (۲۰۰۴). علاوه بر تحقیقات فوق، مطالعات دیگری نیز دربارهٔ تحرک اجتماعی در سایر زمینه‌ها انجام شده است. ولمن و لیت تأثیر رشد اقتصادی سال‌های اخیر در ایرلند را در تحرک اجتماعی بررسی کردند (۲۰۰۶). آپانلی و پترسون تأثیر تعلیم و تربیت را بر روی تحرک اجتماعی مورد مطالعه قرار داد (۲۰۰۷) و نیتل تأثیر تحرک اجتماعی را بر چگونگی رفتار پدر با فرزندان پسر و دختر و همچنین با فرزندان آن‌ها بررسی کرد (۲۰۰۸).

در زمینه هویت طبقه اجتماعی زنان، تحقیقات محدودی صورت گرفته است. ایمان و کیدقان به بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان در شهر شیراز پرداختند. نتایج تحلیل چندمتغیره در این تحقیق نشان داد که متغیرهای تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع، توانایی عقلانی کردن امور، درآمد خانوار، به‌ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر وابسته هویتی دینی داشته‌اند. متغیرهای گسترده شبکه ارتباطی، تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع و اعتمادبه‌نفس متغیرهایی‌اند که به‌ترتیب بیشترین تأثیر را در هویت قومی افراد داشته‌اند. متغیرهای گسترده شبکه ارتباطی تحصیلات فرد و تحصیلات پدر تأثیر عمده‌ای

در تبیین هویت گروهی افراد داشته و نهایتاً متغیرهای تحصیلات مادر، تحصیلات پدر و تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر هویت ملی افراد داشته‌اند (۱۳۸۱).  
سفیری و ایمانی تحرک بین نسلی زنان نسبت به مادران‌شان در تهران را با شاخص‌هایی چون سطح تحصیلات، تعداد فرزندان، سن ازدواج، منزلت شغلی و تصمیم‌گیری در انتخاب همسر سنجیده‌اند. در میان عوامل مؤثر در نسل دختران، درآمد والدین مهم‌ترین نقش را در میان سایر عوامل به خود اختصاص داده است درحالی‌که در نسل مادران آن‌ها نسبت به مادر بزرگ‌ها سن ازدواج مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند (۱۳۸۵). علاوه بر موارد فوق پژوهش‌های دیگری در زمینه کلی تحرک اجتماعی در ایران انجام شده است (مقدس، ۱۳۷۴؛ کاظمی پور، ۱۳۷۸؛ و کلانتری و قائمی، ۱۳۸۱).

### روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی و جامعه آماری تحقیق زنان متأهل شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز هستند. براساس اطلاعات اخذشده از امور اداری دانشگاه‌ها در زمان انجام‌دادن این پژوهش (سال ۱۳۸۴)، تعداد زنان متأهل شاغل در واحدهای مختلف دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی‌شاپور، به ترتیب در حدود ۲۸۵ و ۱۹۸ نفر گزارش شده است (کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شاغل در بیمارستان‌های سطح شهر، در جامعه آماری در نظر گرفته نشده‌اند). زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان در چهار طبقه هیئت علمی و پزشک، کارشناس، کارمند و کارگر قرار داد. بر همین اساس برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد. ابتدا یک نمونه مقدماتی انتخاب و با توجه به در دست بودن اندازه کل جامعه و اندازه کل طبقات و با استفاده از فرمول ککران اندازه نمونه هر طبقه به صورت ۱۸۰ نمونه از دانشگاه شهید چمران و ۱۳۰ نمونه از دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور تعیین و به تناسب از میان مشاغل مختلف انتخاب شدند. سپس اطلاعات مورد نیاز از طریق تکمیل پرسش‌نامه طراحی شده و مصاحبه حضوری جمع‌آوری و پردازش شد. از سوی دیگر با توجه به نقشه طبقاتی شغلی گلدتورپ، پنج رده شغلی شامل: متخصصان (دسته اول)، نیمه‌متخصصان (دسته دوم)، صاحبان مشاغل آزاد (دسته سوم)، کارمندهای معمولی (دسته چهارم) و کارگران (دسته پنجم) برای شاغلان تشخیص داده شد (گلدتورپ، ۱۹۸۰؛ و اریکسون و گلدتورپ، ۱۹۹۲). از هر فرد پاسخگو عنوان کامل شغل خود و همسرش سؤال شد و با توجه به پاسخ آن‌ها، شغل فرد پاسخگو (به عنوان مبدأ) و شغل همسرش (به عنوان مقصد) به یکی از

جدول شماره ۱. توصیف متغیرهای به کار رفته در مدل

توصیف	متغیر	
۱ = طبقه پایین؛ ۲ = طبقه متوسط پایین؛ ۳ = طبقه متوسط متوسط؛ ۴ = طبقه متوسط بالا؛ ۵ = طبقه بالا	X <sub>۱</sub>	طبقه اجتماعی
۰ = کمتر از میانگین؛ ۱ = بالاتر از میانگین	X <sub>۴</sub>	سن
برحسب تعداد سنوات تحصیل	X <sub>۵</sub>	تحصیلات
۰ = عرب؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۶</sub>	قومیت
۰ = عرب یا بختیاری؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۷</sub>	
۰ = عرب یا بختیاری یا فارس؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۸</sub>	
برحسب تعداد سنوات تحصیل	X <sub>۹</sub>	تحصیلات پدر
برحسب تعداد سنوات تحصیل	X <sub>۱۰</sub>	تحصیلات مادر
۱ = ضعیف؛ ۲ = متوسط؛ ۳ = متوسط بالا؛ ۴ = خوب یا عالی	X <sub>۱۱</sub>	وضعیت مالی
۰ = رسمی؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۱۲</sub>	وضعیت
۰ = رسمی یا پیمانی؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۱۳</sub>	استخدامی
۰ = رسمی یا پیمانی یا قراردادی؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۱۴</sub>	
۱ = کمتر از ۱۰۰ = ۲؛ ۱۰۰ - ۲۰۰ = ۳؛ ۲۰۰ - ۴۰۰ = ۴؛ ۴۰۰ - ۷۰۰ = ۵؛ ۷۰۰ و بیشتر (دههزار ریال)	X <sub>۱۵</sub>	درآمد فرد
۰ = رسمی؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۱۶</sub>	وضعیت استخدامی همسر
۰ = رسمی یا پیمانی؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۱۷</sub>	
۰ = رسمی یا پیمانی یا قراردادی؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۱۸</sub>	
۰ = رسمی یا پیمانی یا قراردادی یا پیمانکار؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۱۹</sub>	
۱ = اگر وضعیت استخدام فرد بهتر از وضعیت همسر باشد؛ ۰ = در غیر این صورت	X <sub>۲۱</sub>	مقایسه وضعیت
۱ = اگر وضعیت استخدام فرد بهتر از وضعیت همسرش باشد؛ ۰ = در غیر این صورت	X <sub>۲۲</sub>	استخدام
۱ = کمتر از ۲۰۰ = ۲؛ ۲۰۰ - ۳۰۰ = ۳؛ ۳۰۰ - ۴۰۰ = ۴؛ ۴۰۰ - ۵۰۰ = ۵؛ ۵۰۰ - ۷۰۰ = ۶؛ ۷۰۰ و بیشتر (دههزار ریال)	X <sub>۲۳</sub>	درآمد همسر
۰ = شخصی؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۲۴</sub>	نوع منزل مسکونی
۰ = شخصی یا اجاره‌ای؛ ۱ = در غیر این صورت	X <sub>۲۷</sub>	
۱ = اگر موقعیت شغلی زن از موقعیت شغلی همسرش بهتر باشد؛ ۰ = در غیر این صورت	X <sub>۲۰</sub>	
۱ = اگر زن تحرک اجتماعی داشته باشد؛ ۰ = در غیر این صورت	X <sub>۲۵</sub>	متغیرهای تحرک
۱ = اگر زن تحرک اجتماعی نزولی داشته باشد؛ ۰ = اگر زن تحرک اجتماعی نداشته باشد؛ ۱ = اگر زن تحرک اجتماعی صعودی داشته باشد	X <sub>۲۶</sub>	

رده‌های شغلی فوق (که به ترتیب با کدهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ مشخص شده‌اند) اختصاص داده شد. بنابراین طبق مدل سویل کلاس مبدأ ( $X_1$ ) دارای پنج دسته و کلاس مقصد ( $X_5$ ) نیز دارای همین تعداد است. سایر متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق و نحوه کدگذاری آن‌ها در جدول ۱ آمده است.

برای تحلیل تحرک اجتماعی روش‌های آماری مختلف از قبیل مدل درست‌نمایی و تحلیل رگرسیونی مورد استفاده قرار گرفته است. اما مدل‌های قطری تحرک تنها روش آماری است که به صورت ویژه و با هدف تحلیل داده‌های تحرک اجتماعی پیشنهاد شده است. مدل‌های قطری تحرک نوعی مدل رگرسیونی با ساختار خاص هستند که امکان تحلیل مبدأ و مقصد و نیز بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر تحرک اجتماعی را به‌طور همزمان فراهم می‌کند. از این مدل‌ها در مواردی که متغیرهای مدل اعم از متغیرهای وابسته و مستقل به صورت اسمی، رتبه‌ای یا کمی باشند، می‌توان استفاده کرد. در این مقاله ما نیز از این مدل‌ها به‌منظور تحلیل هویت زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی‌شاپور پرداخته‌ایم. بررسی منابع موجود در مورد پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه هویت اجتماعی در ایران نشان داد که در این مطالعات از مدل‌های قطری تحرک استفاده نشده است. لذا به‌منظور آشنایی بیشتر با این قبیل مدل‌ها به‌اختصار تاریخچه استفاده از آن‌ها را مرور کرده و به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

مدل‌های قطری تحرک برای اولین بار توسط سویل جهت بررسی رابطه بین تحرک بین نسلی و نرخ باروری (تعداد فرزندان خانواده) پیشنهاد شد. سویل در این تحقیق نشان داد که چگونه تحرک اجتماعی از شغل پدر به شغل پسر، نرخ باروری (تعداد فرزندان) را افزایش یا کاهش می‌دهد (۱۹۸۱). پس از آن سویل به تکمیل مدل‌های پیشنهادی خود در سال ۱۹۸۱ پرداخت. به این ترتیب که متغیرهای مستقل را در این مدل‌ها وارد کرد، تا از این طریق بتوان در کنار بررسی تأثیر تحرک اجتماعی بر متغیر وابسته، به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل مؤثر بر متغیر وابسته نیز پرداخت (۱۹۸۵). پس از معرفی مدل پایه توسط سویل، در سال‌های بعد این مدل بارها برای حالات مختلف متغیر وابسته گسترش یافته و مورد استفاده قرار گرفت. از جمله موارد استفاده از این مدل‌ها می‌توان به مطالعات مربوط به تحرک اجتماعی و ترجیح احزاب سیاسی اشاره کرد (نیوبیرتا و دگرف، ۱۹۹۳؛ نیوبیرتا و ویتبرود، ۱۹۹۵؛ دگرف و همکاران، ۱۹۹۵؛ نیوبیرتا، دگرف و آلتی، ۲۰۰۰؛ نیوبیرتا و فلپ، ۲۰۰۰).

ون برکل و دگرف با استفاده از این مدل‌ها به مطالعه مشارکت فرهنگی زن و شوهر و سطح تحصیلات آن‌ها پرداختند (۱۹۹۵). مارشال و فیرد با استفاده از مدل‌های مرجع قطری به بررسی رابطه میان تحرک اجتماعی و رضایت و عدم رضایت شخصی میان مردان و زنان ده کشور

صنعتی پرداختند (۱۹۹۹). ون در اسلیک و همکاران با استفاده از مدل‌های مرجع قطری به بررسی تأثیر نسبی سطح تحصیلات هر یک از والدین بر ارزش‌های تربیتی فرزندان پرداختند (۲۰۰۲). مندن و همکاران با استفاده از این مدل‌ها به مطالعه اهمیت موقعیت همسر و تحصیلات او در ارزیابی فرد از سلامتی خود، استعمال سیگار و مصرف بیش از اندازه الکل پرداختند. سویل و همکاران برای بررسی هویت طبقه اجتماعی زنان و رابطه آن با موقعیت شغلی خود و همسرشان از مدل‌های مرجع قطری استفاده کردند. آن‌ها از طریق این مدل‌ها بررسی کردند که زنان تحت چه شرایطی در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود به موقعیت اجتماعی همسرشان بیشتر از موقعیت اجتماعی خودشان اهمیت می‌دهند و به‌عکس. از آن‌جا که متغیر وابسته مورد استفاده در این بررسی (هویت طبقه اجتماعی زنان) یک متغیر رسته‌ای ترتیبی بود، بنابراین سویل و همکاران ابتدا مدل‌های قطری تحرک اولیه را برای متغیر وابسته ترتیبی گسترش داده، سپس آن را جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار بردند (۲۰۰۴).

### مدل‌های قطری تحرک

فرض کنید که تعداد  $T$  مبدأ و  $T$  مقصد داریم و  $(1, \dots, T)$  معرف متغیر سطر (تعداد حالت‌های مبدأ) و  $(1, \dots, T)$  معرف متغیر ستون (تعداد حالت‌های مقصد) است. همچنین  $y^*$  متغیر وابسته و  $i (i = 1, \dots, n)$  اندیس پاسخگو باشد. سویل مدل زیر را برای بررسی تأثیر تحرک اجتماعی و بر متغیر پاسخ پیشنهاد کرد (۱۹۸۵):

$$y_i^* = \mu(x_{ij}, r_i, c_j) + \varepsilon_i = \pi \mu_{\text{row}}(x) + (1-\pi) \mu_{\text{col}} + \varepsilon_i \quad (1)$$

که  $X_i$  یک بردار ستونی از متغیرهای توضیحی برای پاسخگویی  $i$ ام،  $r_i$  و  $c_j$  به ترتیب مقادیر  $R$  و  $C$  برای پاسخگویی  $i$ ام هستند. همچنین  $\varepsilon_i$  متغیر خطا با امید ریاضی زیر است:

$$E(\varepsilon | X_{ij} = x_{ij}, R_i = r_i, C_j = c_j) = 0$$

در مدل (۱)، میانگین پاسخگوها در سلول  $T$  و  $C$  جدول تحرک (یعنی میانگین پاسخ افرادی که دارای مبدأ  $T$  و مقصد  $C$  هستند) با متغیرهای توضیحی  $X$ ،  $\mu(X, T, C)$  یک میانگین وزنی از توابع رگرسیون قطری  $\mu_{ii}(X)$  و  $\mu_{cc}(X)$  است. به گونه‌ای که:

$$\mu_{\pi}(X) = \alpha_r + x' \beta_r \quad (2)$$



برای مدل فوق این فرضیه را که خطاها مستقل و هم‌توزیع (دارای توزیع نرمال) با واریانس  $\sigma^2$  هستند، در نظر می‌گیریم. حال فرض کنیم متغیر پاسخ مورد نظر ( $y$ ) یک متغیر رتبه‌ای باشد، بنابراین  $y$  با یک مقیاس رتبه‌ای، اندازه‌گیری می‌شود. اما می‌توان به متغیر رتبه‌ای  $y$ ، مقیاس‌های صحیح اختصاص داد و با متغیر حاصل به عنوان یک متغیر استاندارد مانند بالا رفتار کرد. برای تعمیم مدل قطری برای حالت یک متغیر ترتیبی، متغیر مشاهده‌شده  $y$ ، با دسته‌بندی  $k=1, \dots, K$  را به عنوان نسخه کمی شده متغیر پنهان  $y^*$  در نظر می‌گیریم به طوری که  $y=k$  است اگر  $y^* \leq \tau_k < y^* \leq \tau_{k+1}$  که  $\tau_0 = -\infty$  و  $\tau_K = +\infty$  است. با توجه به تعریف رابطه فوق میان  $y$  و  $y^*$ ، متغیر پنهان  $y^*$  را به جای  $y$  مدل‌بندی می‌کنیم. ساختار میانگین متغیر پنهان  $y^*$  عبارت است از:

$$y_i^* = \mu(x_i, \tau_i, c_i) + \varepsilon_i = \pi(x_i) \mu_{\text{rin}}(x_i) + \{1 - \pi(x_i)\} \mu_{\text{cic}}(x_i) + \varepsilon_i \quad (3)$$

همانند قبل، توابع رگرسیون قطری به صورت زیر مشخص می‌شوند:

$$\mu_{\text{rin}}(x_i) = \alpha_r + x_i' \beta_r$$

$$\mu_{\text{cic}}(x_i) = \alpha_c + x_i' \beta_c$$

به طوری که  $\beta_r \neq \beta_c$  است. پارامترهای توابع رگرسیون قطری می‌توانند تحت  $L$  قطر تغییر کنند ( $r = 1, \dots, T, c = 1, \dots, T$ ). در معادله (3)، عبارت‌های  $\pi(x_i)$  و  $1 - \pi(x_i)$  وزن‌هایی هستند که به ترتیب به وضعیت مبدأ و مقصد اختصاص می‌یابند.  $\pi(x_i)$  وزنی است که در تعیین متغیر وابسته به مبدأ داده می‌شود و  $1 - \pi(x_i)$  وزنی است که به مقصد اختصاص می‌یابد. از طریق تعریف وزن‌ها به صورت توابعی از متغیرهای توضیحی، پس از برآورد پارامترهای به کاررفته در توابع مذکور، می‌توان بیان کرد که چگونه متغیرهای توضیحی مختلف، وزن‌های مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یعنی در چه حالتی از متغیرهای فوق، مبدأ (مقصد) وزن بیشتری در تعیین متغیر وابسته (رفتار یا حالت فرد) می‌گیرد. با توجه به این‌که وزن‌ها باید در فاصله بسته صفر و یک قرار گیرند، برای تحقق شرط فوق می‌توان توابع وزنی را به صورت زیر تعریف کرد (برای آشنایی بیشتر با این قبیل مدل‌ها می‌توان به سویل و همکاران، ۲۰۰۴ مراجعه کرد).

$$\pi(x_i) = \frac{\exp(\delta_0 + x_i' \gamma)}{1 + \exp(\delta_0 + x_i' \gamma)} \quad (4)$$

### فرضیه‌های تحقیق

#### فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد زنان شاغل در موقعیت‌های متفاوت در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود به موقعیت شغلی خودشان و موقعیت شغلی همسرشان اهمیت یکسانی نمی‌دهند.

### فرضیه‌های جانبی

۱. به نظر می‌رسد سن افراد عامل تعیین‌کننده‌ای در تلقی آنان از طبقه اجتماعی‌شان باشد.
۲. به نظر می‌رسد میزان تحصیلات زنان شاغل عامل تعیین‌کننده‌ای در تلقی آن‌ها از طبقه اجتماعی‌شان باشد.
۳. به نظر می‌رسد قومیت زنان عامل تعیین‌کننده‌ای در نوع تلقی آنان از هویت طبقه اجتماعی‌شان باشد.
۴. به نظر می‌رسد میزان تحصیلات پدر و مادر افراد پاسخگو، در تصور آنان از هویت طبقه اجتماعی‌شان مؤثر است.
۵. به نظر می‌رسد وضعیت مالی خانواده پدری افراد پاسخگو، در تصور آنان از هویت طبقه اجتماعی‌شان مؤثر است.
۶. به نظر می‌رسد میزان درآمد زنان و همسران‌شان، عامل تعیین‌کننده‌ای در نوع تلقی زنان از هویت طبقه اجتماعی‌شان باشد.
۷. به نظر می‌رسد نوع استخدام زنان و همسران‌شان در تصور آنان از طبقه اجتماعی‌شان مؤثر است.
۸. به نظر می‌رسد بالاتر یا پایین‌تر بودن موقعیت شغلی زنان نسبت به موقعیت شغلی همسران‌شان (تحرك اجتماعی نزولی یا صعودی) عامل تعیین‌کننده‌ای در نوع تلقی زنان از هویت طبقه اجتماعی‌شان باشد.
۹. به نظر می‌رسد رابطه وضعیت استخدامی زنان با وضعیت استخدامی همسران‌شان عامل تعیین‌کننده‌ای در تصور زنان از طبقه اجتماعی‌شان باشد.
۱۰. به نظر می‌رسد سن زنان عامل تعیین‌کننده‌ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آن‌ها در تعیین هویت طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسران‌شان می‌دهند باشد.
۱۱. به نظر می‌رسد قومیت، عامل تعیین‌کننده‌ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آن‌ها در تعیین هویت طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسران‌شان می‌دهند باشد.
۱۲. به نظر می‌رسد بالاتر یا پایین‌تر بودن موقعیت شغلی زنان نسبت به موقعیت شغلی همسران‌شان (تحرك اجتماعی نزولی یا صعودی)، عامل تعیین‌کننده‌ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آن‌ها در تعیین هویت طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسران‌شان می‌دهند باشد.

۱۳. به نظر می‌رسد رابطه وضعیت استخدامی زنان با وضعیت استخدامی همسران‌شان عامل تعیین‌کننده‌ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آن‌ها در تعیین هویت طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسران‌شان می‌دهند باشد.

### یافته‌های تحقیق

هدف از این پژوهش، مطالعه هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل با استفاده از مدل‌های قطری تحرک است. بدین ترتیب که قصد داریم بررسی کنیم که عواملی مانند سن، تحصیلات، قومیت، تحصیلات پدر و مادر، وضعیت اقتصادی خانواده پدری زن، وضعیت استخدامی زن و وضعیت استخدامی همسر، وضعیت اقتصادی خانواده، چگونه تلقی زنان از طبقه اجتماعی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین عواملی چون سن، تحصیلات، رابطه بین موقعیت شغلی زن و همسرش، رابطه بین وضعیت استخدامی زن و همسرش، اهمیتی را که زن در تعیین طبقه اجتماعی‌اش به موقعیت خود و همسرش می‌دهد چگونه تحت تأثیر قرار می‌دهند. به طور مشخص تأثیر عوامل مختلف شامل مشخصات فردی و عوامل اجتماعی-فرهنگی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی خانواده پدری فرد، وضعیت اقتصادی خانواده فرد، وضعیت استخدامی فرد و وضعیت استخدامی همسر را بر هویت طبقه اجتماعی زنان بررسی می‌کنیم.

قبل از مدل‌بندی و بررسی عوامل مؤثر بر هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل، ابتدا رابطه میان هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل با موقعیت شغلی آن‌ها و موقعیت شغلی همسران‌شان (به عنوان سطوح مبدأ و مقصد)، را به طور خلاصه در جدولی به نام جدول تحرک (جدول ۲) بیان می‌کنیم. سطرهای این جدول نشان‌دهنده سطوح موقعیت شغلی زن (به عنوان سطوح مبدأ)، و ستون‌های آن نشان‌دهنده سطوح موقعیت شغلی همسر (به عنوان سطوح مقصد) است. عناصر درون هر سلول جدول نشان‌دهنده درصد افرادی از آن طبقه است که هر یک از پنج طبقه اجتماعی معرفی شده در بخش‌های قبل را به عنوان طبقه اجتماعی خود انتخاب کرده‌اند. طبقات اجتماعی پایین، متوسط پایین، متوسط متوسط، متوسط بالا و بالا در جدول به ترتیب با شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ نشان داده می‌شوند. اعداد درون پرانتز در هر سلول جدول بیانگر تعداد افرادی است که در آن سلول قرار دارند. به عنوان مثال، عدد ۴۰ درون پرانتز در سلول اول جدول نشان می‌دهد تعداد زنانی که خود و همسرشان هر دو از نظر شغلی در رده متخصصان جای می‌گیرند، ۴۰ نفر است. درصد‌های داده شده در این سلول نشان می‌دهند که تنها ۵ درصد افراد نمونه متعلق به مبدأ اول و مقصد اول (یعنی افرادی که طبقه شغلی آن‌ها و همسران‌شان، طبقه متخصصان و مدیران است)، طبقه اجتماعی متوسط متوسط را برای خود گزارش داده‌اند،

جدول شماره ۲. رابطه بین هویت طبقه اجتماعی زنان و موقعیت شغلی خود و همسرانشان

شغل شوهر					شغل زن
کارگران	کارمندی‌های معمولی	صاحبان مشاغل آزاد	نیمه‌متخصصان	متخصصان و مدیران	
۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....- ۲.....- ۳.....۱ ۴.....- ۵.....- (۱)	۱.....- ۲.....- ۳.....۴۰ ۴.....۲۰ ۵.....۴۰ (۵)	۱.....- ۲.....- ۳.....۱۸/۷۵ ۴.....۷۵ ۵.....۶/۲۵ (۱۶)	۱.....- ۲.....- ۳.....۵ ۴.....۴۵ ۵.....۵۰ (۴۰)	متخصصان و مدیران
۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....۳/۷۰ ۲.....۳/۷۰ ۳.....۶۶/۶۷ ۴.....۲۵/۹۲ ۵.....- (۲۷)	۱.....- ۲.....۲۰ ۳.....۲۰ ۴.....۶۰ ۵.....- (۵)	۱.....- ۲.....۳/۵۷ ۳.....۳۵/۶۱ ۴.....۵۷/۱۴ ۵.....۳/۵۷ (۲۸)	۱.....- ۲.....- ۳.....۳۳/۳۳ ۴.....۲۲/۲۲ ۵.....۴۴/۴۴ (۹)	نیمه‌متخصصان
۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	صاحبان مشاغل آزاد
۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....۱/۲۸ ۲.....۲۴/۳۵ ۳.....۴۸/۷۲ ۴.....۲۵/۶۴ ۵.....- (۳۱)	۱.....۳/۲۳ ۲.....۵۴/۸۴ ۳.....۳۸/۷۱ ۴.....۳/۲۶ ۵.....- (۵)	۱.....- ۲.....۱۰ ۳.....۵۲/۵ ۴.....۳۶/۵ ۵.....- (۴۰)	۱.....- ۲.....- ۳.....۵۰ ۴.....۵۰ ۵.....- (۲)	کارمندی‌های معمولی
۱.....۵۳/۵۷ ۲.....۴۶/۴۳ ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۲۸)	۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	۱.....- ۲.....- ۳.....- ۴.....- ۵.....- (۰)	کارگران

۴۵ درصد این افراد طبقه اجتماعی متوسط بالا و ۵۰ درصد آن‌ها طبقه اجتماعی بالا را برای خود تصور کرده‌اند.

اعداد درون سلول‌های قطر اصلی جدول تحرک نشان‌دهنده طبقه اجتماعی افرادی است که موقیعت شغلی آن‌ها و موقیعت شغلی همسران‌شان، هر دو در یک رده قرار دارند. نتایج درون جدول نشان می‌دهد که حدود ۵۶/۱۳ درصد افراد نمونه (۱۷۴ نفر)، در این سلول‌ها جای می‌گیرند. یعنی موقیعت شغلی ۵۶/۱۳ درصد افراد نمونه، با موقیعت شغلی همسرشان یکسان است. اعداد درون سلول‌های خارج قطر اصلی، نشان‌دهنده طبقه اجتماعی انتخابی توسط زنانی است که موقیعت شغلی آن‌ها و موقیعت شغلی همسران‌شان در یک رده قرار نمی‌گیرد. اعداد درون جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که ۴۳/۸۷ درصد افراد نمونه (۱۳۶ نفر)، درون این سلول‌ها قرار می‌گیرند. یعنی ۴۳/۸۷ درصد از افراد نمونه، از نظر شغلی، موقیعت متفاوتی نسبت به همسرشان دارند.

عناصر درون سلول اول جدول شماره ۲ نشان می‌دهد هیچ‌یک از افرادی که در سلول اول قرار دارند (یعنی افرادی که خود و همسرشان از نظر شغلی در رده متخصصان قرار می‌گیرند)، خود را متعلق به طبقه پایین نمی‌دانند؛ ۱۵ درصد افرادی که در سلول اول قرار دارند، خود را متعلق به طبقه اجتماعی متوسط متوسط می‌دانند؛ ۴۵ درصد آن‌ها خود را متعلق به طبقه اجتماعی متوسط بالا و ۵۰ درصد آن‌ها، طبقه بالا را به عنوان طبقه اجتماعی خود برگزیده‌اند. عناصر درون سلول‌های بالای قطر اصلی جدول شماره ۱ نیز نشان‌دهنده افرادی است، که تحرک اجتماعی نزولی داشته‌اند، یعنی افرادی که از نظر شغلی در موقیعت بهتری نسبت به همسران‌شان قرار دارند. با توجه به اعداد درون جدول دیده می‌شود که حدود ۱۷/۴۲ درصد افراد نمونه (۵۴ نفر)، دارای تحرک اجتماعی نزولی بوده‌اند. همچنین عناصر درون سلول‌های پایین قطر اصلی جدول، نشان‌دهنده افرادی است که تحرک اجتماعی صعودی داشته‌اند، یعنی افرادی که موقیعت شغلی همسران‌شان از موقیعت شغلی آن‌ها بهتر است. با توجه به اعداد در جدول مشاهده می‌شود که حدود ۲۶/۴۵ درصد افراد نمونه (۸۲ نفر)، دارای تحرک اجتماعی صعودی بوده‌اند.

### تحلیل مشخصات فردی و عوامل اجتماعی - فرهنگی

#### مؤثر بر هویت طبقه اجتماعی زنان

در این بخش به بررسی تأثیر مشخصات فردی و عوامل اجتماعی - فرهنگی پاسخگو بر هویت طبقه اجتماعی‌اش می‌پردازیم. متغیرهای مورد استفاده در این بخش عبارت‌اند از: سن،

تحصیلات، قومیت و متغیرهای تحرک. از آن‌جا که هویت طبقه اجتماعی زنان یک متغیر ترتیبی است و همچنین قصد داریم تأثیر عوامل مختلف بر هویت طبقه اجتماعی زنان و نیز تأثیر عوامل مختلف را بر وزنی (اهمیتی) که زنان در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود و همسرشان می‌دهند مورد مطالعه قرار دهیم. لذا ضروری است از مدل قطری تحرک با متغیرهای کمکی در حالتی که وزن‌های اختصاص یافته به مبدأ و مقصد (موقعیت شغلی زن و همسرش) نیز به متغیرهای مستقل وابسته هستند و میانگین‌های قطری غیروابسته به مبدأ و مقصد هستند، استفاده کنیم. به منظور دستیابی به بهترین مدل، تمام مدل‌های ممکن با متغیرهای فوق را برازش داده و مدل دارای کمترین معیار اطلاع آکاتیک را به عنوان بهترین مدل برازش‌شده انتخاب می‌کنیم. براساس این معیار مدلی که شامل متغیرهای سن، تحصیلات و سه متغیر تعیین‌کننده قومیت است و علاوه بر آن قومیت، به عنوان عاملی که می‌تواند در اهمیتی که زن در تعیین طبقه اجتماعی‌اش به موقعیت شغلی خود (مبدأ) و موقعیت شغلی همسرش (مقصد) می‌دهد مؤثر باشد و به وسیله متغیرهای تعیین‌کننده‌اش وارد توابع وزنی مدل می‌شود، بهترین مدل است. جدول شماره ۳، برآورد و خطای استاندارد پارامترهای این مدل را ارائه می‌دهد (به منظور حفظ اختصار فقط مدل نهایی ارائه شده است).

جدول شماره ۳. برآورد و خطای استاندارد مدل‌های برازشی  
برای بررسی تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی و مشخصات فردی

متغیرهای مستقل	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value	متغیرهای توابع وزنی	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value
سن	-۰/۱۶۵	۰/۰۸۲	۰/۰۴۵	عرض از مبدأ ۱	۰/۵۰۳		
تحصیلات	-۰/۰۰۹	۰/۰۲۲	۰/۶۷۶	قومیت (X <sub>۶</sub> )	-۱/۳۲۸		
قومیت (X <sub>۶</sub> )	۰/۱۵۳	۰/۱۱۶	۰/۱۸۸	قومیت (X <sub>۷</sub> )	۰/۸۲۵		
قومیت (X <sub>۷</sub> )	-۰/۰۱۷	۰/۰۹۰	۰/۸۴۵	قومیت (X <sub>۸</sub> )	۴/۷۲۶	۰/۴۹۱	$2e^{-16} >$
قومیت (X <sub>۸</sub> )	-۰/۲۳۵	۰/۱۵۳	۰/۱۲۷	عرض از مبدأ ۲	۳/۷۰۳	۰/۳۸۵	$2e^{-16} >$
				قومیت (X <sub>۶</sub> )	۳/۰۲۹	۰/۳۱۴	$2e^{-16} >$
				قومیت (X <sub>۷</sub> )	۱/۴۹۸	۰/۱۷۶	$9/69e^{-16}$
				قومیت (X <sub>۸</sub> )	۲/۲۶۳	۰/۳۴۵	$2/63e^{-10}$

برای برخی برآوردها، خطای استاندارد و مقدار احتمال غیرقابل برآورد بوده است. بنابراین مقادیر یادشده برای برخی برآوردهای مدلی برازشی در جدول شماره ۳ قید نشده‌اند. مروری بر نتایج این جدول نشان‌دهنده آن است که فقط سن زنان دارای تأثیر معنی‌دار بر طبقه اجتماعی آن‌ها دارد ( $p < 0/05$ ). با توجه به برآورد ضریب متغیر سن ( $-0/165$ )، افراد دارای سنین بالاتر از میانگین سن نمونه، طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود گزارش کرده‌اند. از سوی دیگر معنی‌دار شدن اثر متغیرهای توابع وزنی (قومیت) نشان‌دهنده اهمیت نقش آن‌ها در تعیین وزن مبدأ و مقصد است ( $p < 0/001$ ). لذا می‌توان برای افراد با قومیت‌های متفاوت (عرب، بختیاری، فارس و سایر قومیت‌ها) به‌طور جداگانه به محاسبه وزن‌هایی که آن‌ها در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود (مبدأ) و موقعیت شغلی همسرشان (مقصد) می‌دهند، پرداخت. جدول شماره ۴ وزن‌های مبدأ و قصد را برای زنان با قومیت‌های مختلف نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. برآورد وزن‌های مبدأ و مقصد برای زنان با قومیت‌های مختلف

قومیت	$X_6$	$X_7$	$X_8$	برآورد وزن مبدأ	برآورد وزن مقصد
عرب	۰	۰	۰	۰/۰۳۹	۰/۹۶۰
بختیاری	۱	۰	۰	۰/۰۰۰۵۲	۰/۹۹۹
فارس	۱	۱	۰	۰/۰۰۰۲۶	۰/۹۹۷
سایر قومیت‌ها	۱	۱	۱	۰/۰۰۳۱	۰/۹۹۶

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۴ برای همه قومیت‌ها برآورد وزن مبدأ (موقعیت شغلی فرد) کمتر از برآورد وزن مقصد (موقعیت شغلی همسر) است یعنی زنان شاغل با قومیت‌های متفاوت، در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی همسرش بیش از موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

### تحلیل تأثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری

#### بر هویت طبقه اجتماعی زنان

در این بخش، هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل را از دیدگاه وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری مورد بررسی قرار می‌دهیم. متغیرهایی که در این بخش جهت تجزیه و تحلیل به کار می‌روند عبارت‌اند از: تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، وضعیت مالی

خانواده پدری و سه متغیر تحرک  $X_{20}$ ،  $X_{25}$  و  $X_{26}$ . این سه متغیر را به ترتیب متغیرهای تحرک اول، دوم و سوم می‌نامیم. با استفاده از این سه متغیر می‌توان علاوه بر تأثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی خانواده پدری، تأثیر تحرک اجتماعی بر هویت طبقه اجتماعی زنان را نیز بررسی کرد.

جدول شماره ۵. برآورد و خطای استاندارد مدل رابطه میان وضعیت اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی خانواده پدری و هویت طبقه اجتماعی زن

متغیرهای مستقل	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value	متغیرهای توابع وزنی	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value
تحصیلات پدر	۰/۰۱۳۱	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۷۴	عرض از مبدأ ۱	۳/۳۴۲	۰/۱۴۲	$2e^{-16} >$
متغیر تحرک دوم	-۰/۰۲۷	۰/۰۹۱	۰/۷۶۴	متغیر تحرک دوم	۲/۸۰۴	۰/۰۸۶	$2e^{-16} >$
				عرض از مبدأ ۲	۱/۴۵۹	۰/۱۲۳	$2e^{-16} >$
				متغیر تحرک دوم	۲/۳۱۱	۰/۱۲۴	$2e^{-16} >$

جدول شماره ۵ نتایج مدل برازش شده را نشان می‌دهد. بر این اساس فقط تحصیلات پدر دارای اثر معنی‌دار بر طبقه اجتماعی زنان است ( $p < ۰/۰۰۱$ ). با توجه به برآورد ضریب این متغیر (۰/۰۳۱) رابطه مستقیم میان تحصیلات پدر و تصور زنان از طبقه اجتماعی‌شان وجود دارد و زنانی که دارای پدران با تحصیلات بالاتری هستند، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می‌کنند. همچنین متغیر تحرک دوم تنها متغیر وزنی مؤثر بر وزن مبدأ و مقصد است. بنابراین می‌توان دو دسته وزن مبدأ و مقصد برای افراد دارای تحرک اجتماعی و فاقد تحرک اجتماعی محاسبه کرد (جدول شماره ۶). مروری بر نتایج این جدول نشان می‌دهد که زنان فاقد تحرک اجتماعی و دارای تحرک اجتماعی در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود (مبد) بیش از موقعیت شغلی همسر اهمیت می‌دهند و زنان دارای تحرک اجتماعی نسبت به آن‌هایی که تحرک اجتماعی ندارند به میزان بیشتری در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

ازجمله عوامل مؤثر بر هویت طبقه اجتماعی زنان می‌توان به ثروت، درآمد و به‌طور کامل وضعیت اقتصادی خانواده‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، اشاره کرد. بنابراین در این بخش به بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر تصور فرد از طبقه اجتماعی‌اش می‌پردازیم.



جدول شماره ۶. برآورد وزن‌های مبدأ و مقصد

	$X_{25}$	برآورد وزن مبدأ	برآورد وزن مقصد
۱	۰	۰/۸۶۷	۰/۱۳۲
۲	۱	۰/۹۱۴	۰/۰۸۵

### تحلیل تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر هویت طبقه اجتماعی زنان

متغیرهایی که در این بخش برای بررسی در نظر گرفته شده‌اند عبارت است از: درآمد فرد پاسخگو، درآمد همسر، نوع منزل مسکونی و متغیرهای تحرک. با استفاده از معیار اطلاع آکائیک بهترین مدل برازشی شامل متغیرهای درآمد فرد پاسخگو، درآمد همسر و نوع منزل مسکونی و دو متغیر تحرک، همچنین متغیرهای تحرک به عنوان متغیرهای مؤثر بر وزن‌های مبدأ و مقصد، در توابع وزنی این مدل در نظر گرفته شده‌اند. نتایج مربوط به برآورد این مدل در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول شماره ۷. برآورد و خطای استاندارد مدل برازشی

برای بررسی رابطه وضعیت اقتصادی خانواده و طبقه اجتماعی افراد

متغیرهای مستقل	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value	متغیرهای توابع وزنی	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value
درآمد فرد	۰/۱۲۳	۰/۰۷۲	۰/۰۸۹	عرض از مبدأ ۱	۳۰/۱۴۹		
درآمد همسر	۰/۲۱۵	۰/۰۴۴	$۱/۹۶e^{-6}$	متغیر تحرک اول	۲/۶۷۴	۰/۳۸۲	$۱/۸۳e^{-11}$
نوع منزل مسکونی ( $X_{24}$ )	-۰/۰۱۲	۰/۰۸۸	۰/۸۹۰	متغیر تحرک دوم	۲/۷۸۱	۰/۲۳۴	$۲e^{-16} >$
نوع منزل مسکونی ( $X_{27}$ )	-۰/۰۲۵	۰/۱۲۰	۰/۸۳۳	عرض از مبدأ ۲	۲/۲۵۲	۰/۱۹۰	$۲e^{-16} >$
متغیر تحرک اول	-۰/۵۸۰	۰/۲۰۲	۰/۰۰۴	متغیر تحرک اول	۱/۱۱۴	۰/۱۷۴	$۶/۰۷e^{-10}$
متغیر تحرک دوم	-۰/۲۷۷	۰/۱۲۱	۰/۰۲۳	متغیر تحرک دوم	۱/۵۲۵	۰/۲۲۸	$۱/۰۷e^{-10}$

با توجه به نتایج این جدول متغیر درآمد فرد ( $p < ۰/۰۱$ ) و درآمد همسر ( $p < ۰/۰۰۱$ ) معنی دار هستند. اما نوع منزل مسکونی تأثیر معنی داری بر تصور افراد از طبقه اجتماعی شان ندارد. متغیرهای تحرک نیز هر دو در سطح معنی داری  $۰/۰۵$  بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان تأثیر معنی دار دارند ( $p < ۰/۰۵$ ). حال به تفسیر چگونگی تأثیر این متغیرها می‌پردازیم.

با توجه به برآورد ضریب متغیر درآمد فرد (۰/۱۲۳) مشاهده می‌شود که رابطه مستقیم میان درآمد فرد و تصور او از طبقه اجتماعی‌اش وجود دارد بدین معنی که افراد با درآمد بالاتر طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می‌کنند. همچنین ضریب متغیر درآمد همسر (۰/۲۱۵) نیز نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم میان درآمد همسر و تصور فرد از طبقه اجتماعی‌اش دارد. یعنی افرادی که همسران آن‌ها درآمد بالاتری دارند نسبت به سایر افراد طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می‌کنند. حال با توجه به برآورد ضرایب متغیرهای تحرک در جدول ۸ به بررسی تأثیر تحرک اجتماعی بر هویت طبقه اجتماعی افراد می‌پردازیم. با توجه به توصیفی که از متغیر تحرک اول داشتیم و برآورد ضریب این متغیر (۰/۵۸۰-)، با توجه به نمونه زنانی که از نظر شغلی در موقعیت بالاتری نسبت به همسران خود قرار دارند، طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود گزارش داده‌اند. مقادیر احتمال داده‌شده در جدول ۷ برای برآورد ضرایب متغیرهای توابع وزنی نشان می‌دهند که تمام این متغیرها در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار هستند. برآورد وزن‌های مبدأ و مقصد براساس متغیر تحرک اول در جدول ۸ و برآورد وزن‌های مبدأ و مقصد براساس متغیر تحرک دوم در جدول ۹ آمده است.

جدول شماره ۸. برآورد وزن‌های مبدأ و مقصد

برآورد وزن مقصد	برآورد وزن مبدأ	$X_{20}$	
$\cong 0$	$\cong 1$	0	1
$\cong 0$	$\cong 1$	1	2

جدول شماره ۹. برآورد وزن‌های مبدأ و مقصد

برآورد وزن مقصد	برآورد وزن مبدأ	$X_{26}$	
$\cong 0$	$\cong 1$	-1	1
$\cong 0$	$\cong 1$	0	2
$\cong 0$	$\cong 1$	1	3

از قبل می‌دانیم که متغیر تحرک اول برای زنانی که از نظر شغلی در موقعیت بالاتری نسبت به همسران خود قرار دارند برابر ۱ و برای سایر افراد برابر صفر است. جدول شماره ۸ برآورد وزن مبدأ و مقصد را برای این دو دسته ارائه می‌دهد. با توجه به وزن‌های مبدأ و مقصد، مشاهده می‌شود که با توجه به نمونه مورد بررسی، هم زنانی که از نظر شغلی در موقعیت بالاتری نسبت

به همسران خود قرار دارند، و هم زنانی که این‌گونه نیستند، هر دو گروه در تعیین طبقه اجتماعی‌شان تقریباً به موقعیت شغلی همسرشان اهمیتی نمی‌دهند. حال به بررسی وزن‌های مبدأ و مقصد با استفاده از متغیر تحرک دوم می‌پردازیم. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، این متغیر برای افرادی که تحرک اجتماعی ندارند مقدار صفر و برای افرادی که تحرک اجتماعی منفی دارند مقدار ۱- را اختیار می‌کند و برای افرادی که تحرک اجتماعی مثبت دارند مقدار این متغیر برابر ۱ است. جدول شماره ۹ برآورد وزن‌های مبدأ و مقصد را برای این سه دسته افراد، به‌طور جداگانه ارائه می‌دهد. با دقت در برآوردهای ارائه‌شده در جدول ۹ مشاهده می‌شود که با توجه به نمونه مورد بررسی، هر سه گروه یعنی زنانی که تحرک اجتماعی ندارند، آن‌هایی که تحرک اجتماعی منفی دارند و زنانی که تحرک اجتماعی مثبت دارند، در تعیین طبقه اجتماعی خود تقریباً تمام اهمیت را به موقعیت شغلی خود می‌دهند.

### تحلیل تأثیر وضعیت استخدامی بر هویت طبقه اجتماعی زنان

به نظر می‌رسد وضعیت استخدامی فرد بر تصور او از طبقه اجتماعی‌اش مؤثر باشد و همچنین می‌تواند بر اهمیتی که فرد در تعیین طبقه اجتماعی‌اش به موقعیت شغلی خود و همسرش می‌دهد، تأثیرگذار باشد. در این بخش همچنین به مقایسه وضعیت استخدام فرد و همسرش می‌پردازیم و بررسی می‌کنیم که چگونه افراد با توجه به رابطه وضعیت استخدامی خود و همسرشان در تعیین طبقه اجتماعی خود به موقعیت شغلی خود و همسرشان اهمیت می‌دهند. متغیرهای مورد استفاده در این بخش به شرح زیر است:

سه متغیر  $X_{12}$ ،  $X_{13}$  و  $X_{14}$  بیانگر وضعیت استخدامی فرد هستند. هر یک از این متغیرها جهت مقایسه طبقه اجتماعی انتخابی افرادی با وضعیت استخدامی متفاوت به کار می‌روند. به عنوان مثال، متغیر  $X_{12}$  هویت طبقه اجتماعی افراد با استخدام رسمی را با افراد پیمانی مقایسه می‌کند. همچنین متغیرهای  $X_{21}$  و  $X_{22}$  را نیز به عنوان متغیرهای مقایسه‌کننده وضعیت استخدامی فرد و همسرش در نظر می‌گیریم. جدول شماره ۱۰ نتایج بهترین مدل برازش‌شده را نشان می‌دهد. این مدل شامل متغیرهای تعیین وضعیت استخدامی فرد پاسخگو است و هیچ متغیری جهت بررسی تأثیر آن بر وزن‌های مبدأ و مقصد در نظر گرفته نشده است. مروری بر نتایج این جدول نشان می‌دهد که این متغیرها نیز دارای اثر معنی‌دار بر هویت طبقه اجتماعی فرد نیستند ( $p > 0/05$ ). بنابراین وضعیت استخدام تأثیر معنی‌دار بر تصور فرد از طبقه اجتماعی‌اش ندارد و زنان با وضعیت استخدام متفاوت طبقه اجتماعی مشابهی برای خود تصور کرده‌اند. علاوه بر آن برآورد وزن مبدأ تقریباً برابر  $0/74$  است و برآورد وزن مقصد برابر  $0/26$  است. با

توجه به این برآوردها مشاهده می‌شود که در نمونه مورد مطالعه زنان در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود بیش از موقعیت شغلی همسرشان اهمیت می‌دهند.

جدول شماره ۱۰. برآورد و خطای استاندارد مدل برازشی جهت بررسی رابطه وضعیت استخدامی و طبقه اجتماعی افراد

متغیرهای مستقل	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value	متغیرهای توابع وزنی	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value
وضعیت استخدام ( $X_{12}$ )	۰/۰۹۴	۰/۰۹۷	۰/۳۳۷	عرض از مبدأ ۱	۱/۳۳۰	۰/۱۵۳	$۳/۰۱e^{-14}$
وضعیت استخدام ( $X_{12}$ )	۰/۰۲۳	۰/۱۳۳	۰/۸۶	عرض از مبدأ ۲	۰/۲۷۶	۷/۵۹۳	$۳/۹۶e^{-11}$
وضعیت استخدام ( $X_{12}$ )	۰/۰۵۰	۰/۱۴۰	۰/۷۲۱				

### تحلیل تأثیر وضعیت استخدامی همسر بر هویت طبقه اجتماعی زنان

به نظر می‌رسد که وضعیت استخدامی همسر (رسمی، پیمانی، قراردادی، پیمانکار یا آزاد) بر تصور فرد از طبقه اجتماعی اش موثر باشد. همچنین به نظر می‌رسد که رابطه وضعیت استخدامی فرد با همسرش، اهمیتی را که فرد در تعیین طبقه اجتماعی اش به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرش می‌دهد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این بخش به بررسی هویت طبقه اجتماعی زنان از دیدگاه فوق می‌پردازیم. چهار متغیر بیانگر وضعیت استخدامی همسر ( $X_{16}$ ،  $X_{17}$ ،  $X_{18}$ ،  $X_{19}$ ) همان‌طور که در قسمت معرفی متغیرها اشاره شد هر یک از متغیرها جهت مقایسه هویت طبقه اجتماعی انتخابی افرادی که همسران آنها در وضعیت استخدامی متفاوت هستند به کار می‌رود. همچنین متغیرهای ( $X_{21}$  و  $X_{22}$ ) جهت مقایسه وضعیت استخدامی فرد و همسرش در مدل به کار می‌روند. جهت بررسی رابطه وضعیت استخدام همسر و هویت طبقه اجتماعی فرد، تمام مدل‌های ممکن را با استفاده از متغیرهای معرفی شده در ابتدای این بخش بر داده‌ها برازش می‌دهیم. معیار آکائیک نشان می‌دهد که بهترین مدل از میان مدل‌های برازش شده مدلی است که از چهار متغیر تعیین‌کننده وضعیت استخدامی همسر تشکیل شده است. جدول شماره ۱۱ برآورد و خطای استاندارد پارامترهای این مدل را ارائه می‌دهد.

براساس این جدول دو متغیر اول تعیین‌کننده وضعیت استخدامی فرد در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است. با توجه به ضریب مثبت متغیر  $X_{16}$ ، زنانی که همسران‌شان به‌طور پیمانی

استخدام شده‌اند، طبقه اجتماعی بالاتری نسبت به آن‌هایی که همسران‌شان استخدام رسمی هستند، برای خود گزارش کرده‌اند. همچنین منفی بودن ضریب متغیر  $X_{17}$  حاکی از آن است، زنانی که همسران آن‌ها استخدام قراردادی هستند طبقه اجتماعی پایین‌تری نسبت به آن‌هایی که

جدول شماره ۱۱. برآورد و خطای استاندارد مدل برازشی

جهت بررسی رابطه وضعیت استخدام همسر بر طبقه اجتماعی زن

p-value	خطای استاندارد	برآورد پارامترها	متغیرهای توابع وزنی	p-value	خطای استاندارد	برآورد پارامترها	متغیرهای مستقل	
							$X_{16}$	$X_{17}$
$2/3e^{-14}$	۰/۱۸۰	۱/۴۴۵	عرض از مبدأ ۱	۰/۰۳۰	۰/۱۶۳	۰/۳۵۵	$X_{16}$	وضعیت استخدام همسر
$3/3e^{-8}$	۰/۳۸۵	۲/۱۸۶	عرض از مبدأ ۲	۰/۰۴۵	-۰/۲۰۶	۰/۴۱۴	$X_{17}$	
				۰/۷۶۳	۰/۱۹۹	-۰/۰۶۰	$X_{18}$	
				۰/۲۳۹	۰/۱۶۵	۰/۱۹۵	$X_{19}$	

همسران‌شان به‌طور پیمانی استخدام شده‌اند، برای خود گزارش کرده‌اند. برآورد ضریب دو متغیر دیگر معنی‌دار نیست، بنابراین زنانی که همسران آن‌ها استخدام قراردادی هستند با آن‌هایی که همسران‌شان از طریق پیمان‌کار استخدام شده‌اند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی‌داری نداشتند. همچنین زنانی که همسران آن‌ها از طریق پیمان‌کار استخدام شده‌اند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی‌داری با آن‌هایی که همسران‌شان شغل آزاد دارند، نداشتند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از مدل‌های قطری تحرک با متغیر پاسخ ترتیبی، به بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی‌شاپور و رابطه آن با موقعیت شغلی خود و همسرشان پرداختیم. پس از تحلیل داده‌های مورد مطالعه نتایج زیر در مورد هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل حاصل شد:

– متغیر سن تأثیر معنی‌دار بر تصور افراد از طبقه اجتماعی‌شان دارد. زنان با سن بالاتر نسبت به افراد با سنین کمتر طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود تصور می‌کنند.

– تحصیلات، قومیت، تحصیلات مادر و وضعیت مالی خانواده پدری، نوع منزل مسکونی با توجه به نمونه مورد مطالعه، تأثیر معنی‌داری بر تصور فرد از طبقه اجتماعی‌اش ندارد. اما

تحصیلات پدر بر تصور زنان از طبقه اجتماعی‌شان تأثیر معنی‌داری دارد. زنان دارای پدران با تحصیلات بالاتر، نسبت به سایر افراد، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود گزارش کرده‌اند. در مطالعه‌ای مشابه بر روی زنان در تهران مشخص شد که بین تحرک اجتماعی زنان و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین آن‌ها رابطه وجود دارد. یعنی هرچه درآمد، تحصیلات و منزلت والدین بالاتر باشد میزان تحرک صعودی دختران آن‌ها بیشتر می‌شود (سفیری و ایمانی، ۱۳۸۵).

— درآمد فرد پاسخگو بر تصور او از طبقه اجتماعی‌اش تأثیر معنی‌داری دارد. افراد با درآمد بالاتر طبقه اجتماعی بالاتری برای خود گزارش داده‌اند. درآمد همسر نیز تأثیر معنی‌داری بر طبقه اجتماعی گزارش شده از سوی زنان دارد. به گونه‌ای که افرادی که همسران آن‌ها درآمد بالاتری داشتند، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود گزارش کرده‌اند.

— با توجه به نمونه مورد مطالعه، وضعیت استخدامی تأثیر معنی‌داری بر طبقه اجتماعی گزارش شده فرد پاسخگو نداشت. بنابراین افراد با وضعیت استخدامی متفاوت طبقه اجتماعی مشابهی برای خود گزارش داده‌اند. زنانی که همسران آن‌ها استخدام پیمانی هستند نسبت به زنانی که همسران‌شان استخدام رسمی هستند طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می‌کنند. یکی از دلایل این امر می‌تواند سن پایین‌تر این زنان نسبت به آن‌هایی که همسران‌شان استخدام رسمی هستند باشد. با توجه به نمونه مشاهده شد که زنان با سنین پایین‌تر طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور کرده‌اند. همچنین با توجه به نمونه زنانی که همسران‌شان استخدام قراردادی هستند نسبت به زنانی که همسران آن‌ها به‌طور پیمانی استخدام شده‌اند طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود گزارش داده‌اند. زنانی که همسران آن‌ها استخدام قراردادی هستند با آن‌هایی که همسران‌شان از طریق پیمانکار استخدام شده‌اند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی‌داری نداشتند. همچنین زنانی که همسران آن‌ها از طریق پیمانکار استخدام شده‌اند، با آن‌هایی که از همسران‌شان شغل آزاد دارند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی‌داری نداشتند.

— زنانی که از نظر شغلی در وضعیتی بهتر از همسران خود قرار دارند، طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود تصور می‌کنند.

— با توجه به نمونه مورد مطالعه زنان دارای تحرک اجتماعی و فاقد تحرک اجتماعی در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود اهمیت بیشتری می‌دهند. همچنین آن‌هایی که تحرک اجتماعی دارند نسبت به بقیه افراد به میزان بیشتری به موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

— زنانی که از نظر وضعیت استخدام در وضعیتی بهتری نسبت همسران‌شان قرار دارند، در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود اهمیت بیشتری می‌دهند. همچنین زنانی که

وضعیت استخدامی بهتری نسبت به همسران‌شان ندارند نیز به موقعیت شغلی خود در تعیین طبقه اجتماعی اهمیت بیشتری می‌دهند با این تفاوت که زنانی که از لحاظ استخدام در وضعیت بهتری نسبت به همسران‌شان هستند نسبت به دسته دوم به میزان بیشتری در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

### منابع

- ایمان، محمدتقی و طاهره کیدفان (۱۳۸۱ و ۱۳۸۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شیراز)»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵.
- سفیری، خدیجه و الهه ایمانی (۱۳۸۵)، «تحرک اجتماعی بین نسلی زنان در تهران با تأکید بر دسترسی به امکانات و فرصت‌ها»، پژوهش زنان، شماره ۱۰۲، بهار و تابستان.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۸)، «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴.
- کلانتری، صمد و محمد سلمان قائمی (۱۳۸۱)، «تحرک اجتماعی و ساخت طبقاتی (مطالعه موردی شهر همدان)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
- مقدس، علی‌اصغر (۱۳۷۴)، «منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران، مورد مطالعه شهر شیراز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم.

- Baxter, J. (1994), "Is Husband's class enough? Class location and class identity in the United States, Sweden, Norway, and Australia," *Am. Sociol. Rev.*, 59, 220-235.
- Davis, N.J. Robinson, R. V. (1988), "Class identification of men and women in the 1970s and 1980s", *Am. Sociol. Rev.*, 53, 103-112.
- De Graaf, N. D., Nieuwebeerta, P. and Health A. (1995), "Class Mobility and Political Preferences: Individual and Contextual Effects." *A.J.S.*, 100(4), 997-1027.
- Eriskon, R. and Goldthorpe, J.H. (1992a), "Individual or family?" results from two approaches to class assignment," *Acta Social*, 35, 95-105.
- Eriskon, R. and Goldthorpe, J.H. (1992b), "The Constant Flux: a Study of Class Mobility in Industrial Societies", Oxford: Clarendon.
- Felson, M. and Knoke, D. (1974), "Social status and married women", *Journal of Marriage and the Family*, 36, 516-521.
- Goldthorpe, J.H. (1980), "Social Mobility and Class Structure in Modern Britain", Oxford: Clarendon.
- Hayes, B.C. and Jones F.L., (1992), "Class identification among Australian couples: are wives characteristics irrelevant?", *Br. J. Sociol.*, 43, 463-483.

- Hiller, D. and Philliber, W.W. (1978), "The derivation of status benefits from occupational attainments of working wives." *Journal of Marriage and the Family*, 40, 63-70.
- Iannelli, C. and Paterson, L. (2007), "Education and social mobility in Scotland", *Research in Social Stratification and Mobility*, 25, 219-232.
- Jackman, M.R. and Jacman, R.W. (1983), *Class Consciousness in the United States*, Berkeley: University of California Press.
- Marshall, G. and Firth, D. (1999), "Social Mobility and Personal Satisfaction: Evidence from Ten Countries," *Br. J. Sociol.*, 50(1), 28-48.
- Marshall, G. Roberts, S. Burgoyne, C. Swift, A. and Ruth, D. (1995), "Class, gender and the asymmetry hypothesis," *Eur. Sociol. Rev.*, 11, 1-15.
- Nettle, D. (2008), "Why do some dads get more involved than others? Evidence from a large British cohort," *Evolution and Human Behavior*, 29, 416-423/
- Nieuwbeerta, P. and De Graaf, N.D. (1993), "Intergenerational class mobility and political preference between 1970 and 1986 in The Netherlands", *Netherlands Journal of Social Sciences*, 29, 28-45.
- Nieuwbeerta, P. and Wittebrood, K. (1995), "Intergenerational Transmission of Political Party Preference in The Netherlands", *Social Science Research*, 24, 243-261.
- Nieuwbeerta, P. De Graaf, N.D. and Ultee, W. (2000), "The Effects of Class Mobility on Class voting in Post-War Western Industrialized Countries", *Eur. Sociol. Rev.*, 16, 327-348.
- Nieuwbeerta, P. and Flap, H. (2000), "Crosscutting social circles and political choice Effects of Personal network composition on voting behavior in The Netherlands", *Social Networks*, 22, 313-335.
- Ritter, K.V. and Hargens, L.L. (1975), "Occupational position and class identifications of married working women: a test of the asymmetry hypothesis", *Am. J. Sociol.*, 80, 934-948.
- Roberts, S. and Marshall, G. (1995), "Intergenerational class processes and the asymmetry hypothesis", *Sociology*, 29, 43-58.
- Sobel, M.E., (1981), "Diagonal mobility models: a substantively motivated class of designs for the analysis of mobility effects", *Am. Sociol. Rev.*, 46, 893-906.
- Sobel, M.E. (1985), "Social mobility and fertility: some new models for the analysis of the mobility effects hypothesis," *Am. Sociol. Rev.*, 50, 699-712.
- Sobel, M.E., De Graaf, N.D. Heath, A. and Zou, Y. (2004), "Men matter more: the social class identity of married British Women", 1985-1991, *J.R. Statist. Soc. A.*, 167, Part 1, pp. 37-52.



- Van Berkel, M. and De Graaf, N.D. (1995), "Husband's and Wife's Culture Participation and their Levels of Education: A Case of Male Dominance?", *Acta Sociologica*, 38, 131-149.
- Van der Slik, F. W. P., De Graaf, N.D. and Gerris, J.R.M. (2002), "Conformity to parental Rules: Asymmetric Influences of Father s and Mother s Levels of Education", *European Sociological Review*, 18(4), 489-502.
- Van Velsor, E. and Beehley, L. (1979), "The process of class identification among employed marries women: areplication and reanalysis", *Journal of Marriage and the Family*, 41, 771-778.
- Whelan, C.T. and Late, R. (2006), Economic boom and social mobility: The Irish experience, *Research in Social Stratification and Mobility*, 24, 193-208.
- Wright, E.O. (1980< "Women in the class stucture", *Polit. Soc.*, 17, 35-66.

عبدالرحمن راسخ، دانشیار گروه آمار و ریاضی دانشگاه شهید چمران است (نویسنده مسئول).

Rasekh\_a@scu.ac.ir

معصومه باقری، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران است.

maba\_65@hotmail.com

صدیقه حافظی، کارشناس ارشد آمار دانشگاه شهید چمران است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی